

اسناد منتشره نشده‌ای از دوران مبارزات سیدحسن مدرس

■ هفت رویداد از منظر هفت سند تازه

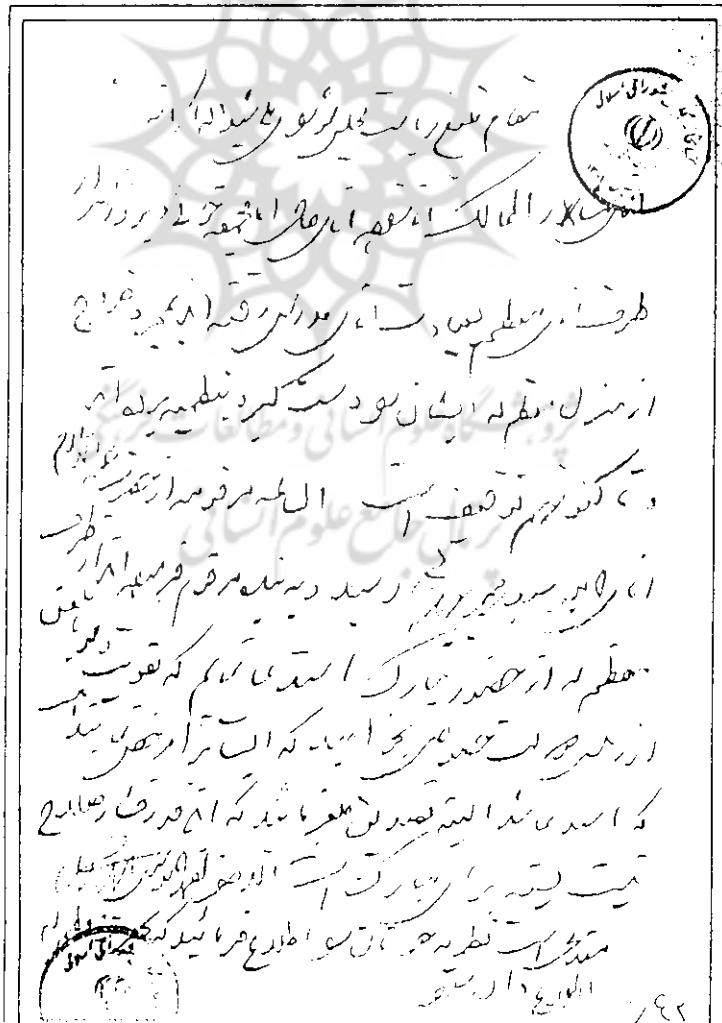
دکتر علی مدرسی

برخواست و با اعتبارنامه اکثر نمایندگان به سختی مخالفت کرد تا رسمیت مجلس عملی نگردد و نقشه جمهوری خواهی رضاخان را مواجه با شکست نمود. در این گیرودار عده زیادی مجروح و زندانی شدند. متعاقب آن، «میرزاده عشقی» را مأموران رضاخان به شهادت رسانیدند. مدرس با تمام وجود قدم در راه مبارزه با به قدرت رسیدن رضاخان گذاشت و بالاخره او را از میدان بیرون راند. چند روزی مجلس بساتکلیف ماند و سردار سپه هم آماده می شد که به طور کلی ایران را ترک کند. عده‌ای از مجلسیان با او ملاقات کرده و به او

۱- پیامدهای استیضاح مدرس از رضاخان
«میرزا علی کازرونی» نماینده جهرم فارس در مجلس پنجم، تا زمان به قدرت رسیدن و سلطنت رضاخان از افراد اقلیت و با مدرس همکاری داشت. انتخابات مجلس پنجم با دخالت صریح رضاخان سردار سپه مخصوصاً در شهرستان‌ها به صورت فرمایشی انجام شد و نمایندگانی به مجلس فرستاده شدند که متعهد بودند خلع قاجاریه را از سلطنت اعلان و سردار سپه را به پادشاهی برسانند. از بدو تشکیل مجلس، مدرس به شدت با این طرح به مقابله

قول دادند که با اکثریت کامل او را به مقام نخست وزیری برسانند. لذا او به عنوان قهر تهران را ترک کرده و در بومهن اقامت نمود تا از نزدیک بتواند ناظر اوضاع و محرک ارتشیان باشد. بالاخره نمایندگان طرفدار رضاخان در غیاب مدرس او را به مقام نخست‌وزیری رسانده و باز سیاست انگلیس را بر ایران حاکم کردند. مدرس و یارانش سخت زیر فشار و حمله طرفداران رضاخان مخصوصاً «فراکسیون تجدد» که «تدین» رهبری آن را به عهده داشت، قرار گرفتند. مخصوصاً قتل

«ماژورا ایمری» که تحت عنوان «واقعه سقاخانه» در تاریخ مشهور است و خود داستان مفصلی دارد. دولت حکومت نظامی اعلام کرده و به دستگیری و توقیف طرفداران مدرس دست زد و «واقعه سقاخانه» را نیز به گردن اقلیت، یعنی مدرس و طرفدارانش انداخت. فراکسیون اقلیت تنها چاره‌ای که به نظرشان رسید، این بود که از دولت سردار سپه استیضاح نمایند و در حقیقت، اینجا مدرس به خطرناک‌ترین کار ممکن با ترمرد و شجاعت خارق‌العاده‌ای اقدام کرد و در جلسه مورخ هفتم مرداد



در ابتدای کوچه مسجد سپهسالار، ناگهان عده‌ای از اشرار که قبلاً تحریک شده بودند و «نایب چلوپی» و «پسر پهلوان یزدی» نیز در میان‌شان بودند، به مدرس و «کازرونی» و «حایری زاده» حمله کردند. «نایب چلوپی» سیلی محکمی به صورت مدرس زد و سایرین «حایری زاده» و «کازرونی» را مجروح نمودند و «حایری زاده» به خانه «داور» که در همان حوالی بود، پناه برد و «کازرونی» در اثر ضربه شدید چوب که بردست او اصابت کرده بود، در منزلش بستری گردید. اهالی محل جمع شده و اویش را فراری دادند و مدرس را به منزلش رسانیدند. بعد از ظهر همان روز، مدرس به مجلس آمد و «ملک الشعرائی بهار» واقعه را طی نطق مفصلی به نمایندگان گزارش داد و خطر حضور اقلیت را در جلسه به علت عدم تأمین جانی مطرح کرد. صورت محاکمه نظمی از چند نفر به صورت کاملاً مصنوعی و ابتدایی در میان اسناد موجود در آرشیو مجلس شورای ملی باقی مانده است و نگارنده شخصاً آن را بررسی نموده‌ام.

توضیح کوتاهی در مورد نامه «سید احمد بهبهانی» به مجلس

دوره پنجم مجلس شورای ملی با به سلطنت رساندن رضاخان، عمر خود را به سر آورد. انتخابات دوره ششم آغاز شد و نمایندگان مستقیماً طبق دستور سردار سپه که اعلیحضرت همایونی شده بود، از کلیه

ماه ۱۳۰۳ با ذکر مقدمه‌ای، ورقه استیضاح از سردار سپه را به صورت ذیل به رئیس مجلس تقدیم داشت:

«بسم الله الرحمن الرحيم»

این جانبان راجع به مواد ذیل از آقای رئیس الوزرا استیضاح می‌نمایم:

۱- سوء سیاست نسبت به داخله و خارجه

۲- قیام و اقدام بر ضد قانون اساسی و حکومت مشروطه و توهین به مجلس شورای ملی.

۳- تحویل ندادن اموال مقصرین و غیره به خزانه دولت.

حایری‌زاده، عراقی، کازرونی، مدرس، اخگر، ملک الشعرا، سید حسن زعیم».

استیضاح مدرس از دولت سردار سپه مخصوصاً بند دوم آن، چنان رضاخان را به وحشت انداخت که جز با ایجاد بلوا و آشوب و ریختن نظامیان با لباس شخصی به مجلس و ایجاد زدو خورد و حتی وارد شدن شخص خودش به مجلس و حمله به مدرس نمی‌توانست چاره‌ای برای پاسخ به استیضاح محکم و مستدل مدرس بیندیشد. روز پاسخ به استیضاح، سردار سپه با همین ترفند سیاسی مجلس را به آشوب کشید. بالاخره قرار شد پاسخ به استیضاح به بعد از ظهر همان روز موکول گردد.

مدرس به اتفاق «میرزا علی کازرونی» و «حایری‌زاده یزدی»، سه نفری از مجلس خارج و به طرف منزل‌شان حرکت کردند.

اسم نویسنده و تاریخ نگارش	نمبر کتاب ثبت
اسم بانک نویس کننده و تاریخ نگارش	کارتن
تاریخ امضای بانک نویس	نمبر های ثبت
اداره	اداره

تاریخ ارسال (۹) - ۱۳۰۳
 قیود و هود: ...
 عنوان کاغذ: ...

درد در کسوم روزگشت درت بر غمت نم از دل پاک کنه ...
 در لاله روزنه در دروب هارست کسب زهارت فایح نمه ...
 بدف بر چینه بر فله نزدیکه سته راه ...
 ره ب کسب کسب نمه ...
 طرف غمبسته نمه ...
 معجزه غم غم نمه ...

بردن او از این (به قول خودش تیرباران)، پس از مرخص شدن از بیمارستان مدتی در منزل بستری بود. مأموران شهربانی هر کسی را که به ملاقات او می‌رفت، پس از بازگشت، توقیف و زندانی می‌نمودند، از جمله «خرازی» و «اریاب» (از تجار بازار تهران و قزوین)، مدت‌ها به خاطر عیادت از مدرس زندانی بودند مردی از روستای «اسفه» به نام «حاجی علی افتخار طلب» (برادر داماد مدرس) نیز هفته‌ها به همین جرم زندانی و گرفتار بازپرسی بود. این سند مربوط به همین دوران، یعنی

ولایات با دخالت حکام و نظامیان انتخاب می‌شدند. در تهران با تمام دخالت‌ها و فعالیت‌هایی که برای جلوگیری از انتخاب مدرس به عمل آمد، باز به خاطر مبارزه و هوشیاری مردم، مدرس و «ملک الشعرا» به نمایندگی انتخاب شدند. به طور کلی از زمان سلطنت رضاخان تا زمان توقیف و زندانی شدن مدرس در خواف، این بزرگ مرد تاریخ در سخت‌ترین فشارها و دائم از طرف شهربانی رضاخان تحت نظر بود. پس از ترور مشهور مدرس در کوچه سرداری (پشت مدرسه سپهسالار) و جان سالم به‌در

مدرس رفته‌اند. به مجرد خروج از منزل معظم‌له ایشان را دستگیر و به نظمیّه برده‌اند و تاکنون هم توقیف است. السّاعه مرقومه از حضرت حجة الاسلام آقای آقامیرزا سید محمد بسهبهانی رسید و بسه بنده مرقوم فرموده‌اند از طرف معظم‌له از حضور مبارک استدعا نمایم که به فوریت و با نلفن از رئیس دولت خصوصی بخواهید که ایشان را مرخص نمایند. این است که استدعا شد. البته تصدیق می‌فرمایید که این قدر فشار صلاح نیست. بسته به رأی مبارک است.

الاحقر احمدالموسوی [محل امضاء]
مستدعی است نظریه خودتان را اطلاع فرمایید که به حضرت معظم‌له اطلاع داده شود.

۲- بازتاب جمهوری رضاخانی

در مجلس پنجم، رضاخان سردار سپه، مقدمات خلع قاجاریه را با زمینه‌سازی امپراتوری انگلیس فراهم و پس از زدوبندهای سیاسی و ایجاد آشوب در سراسر کشور، فرماندهان ارتش را بر آن داشت که مردم را به جمهوری خواهی تحریک نمایند. از طرفی علما و اصناف و آنان که خطر دیکتاتوری را احساس می‌نمودند، با جمهوری رضاخانی که طبعاً مادام‌العمری بود، به رهبری مدرس، به شدت به مخالفت برخاستند. سند ذیل

دوره ششم و بعد از ترور مدرس است. «سید احمد بهبهانی» نویسنده نامه هم در بعضی از ادوار مجلس از یاران و افراد اقلیت طرفدار مدرس بود که بعد از به قدرت رسید رضاخان، با دیگر یاران مدرس غیر از زعیم و بهار به اصحاب رضاخان پیوستند و مدرس را ترک گفتند. از فحوای سند چنین به دست می‌آید که «امام جمعه خویی» که در دوره دوم از علمای طراز اول و در دوره‌های بعدی نماینده تبریز بود، فرزند خود (شاید «جمال امامی» باشد که بعدها نماینده مجلس و در مخالفت با «دکتر مصدق» مشهور است) را نیابتاً به عیادت مدرس می‌فرستد و این قدرت را در خود نمی‌بیند که شخصاً از هم کسوت و همکار و یکی از طراز اول علما عیادت کند. فرزند «امام جمعه خویی» هم به سرنوشت دیگر عیادت‌کنندگان مدرس گرفتار می‌شود و توقیف می‌گردد. «سیداحمد بهبهانی» که نام او را در جاهایی از نامه‌های اقلیت طرفدار مدرس می‌بینیم، به سفارش «امام جمعه خویی» به رئیس مجلس می‌نویسد که به رئیس دولت توصیه کند آقازاده آزاد شود و مخصوصاً جمله «این قدر فشار صلاح نیست» در نامه جالب است.

«مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی

شیدالله ارکانه

آقای مشارالممالک آقازاده آقای

حاجی امام جمعه خویی دیروز عصر

از طرف آقای معظم به عیادت آقای

۵

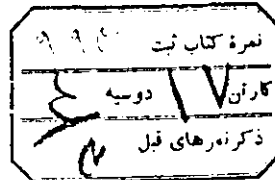
تصویب نامه هزینه زندانیان قزوین

بسم الله الرحمن الرحیم
 این مصوبه در جلسه شورای عالی آموزش و پرورش مورخه ۱۳۹۹/۰۵/۰۱ در محل اجتماع این شورا در تهران به تصویب رسید.
 بر اساس این مصوبه موارد ذیل در خصوص هزینه زندانیان قزوین تصویب گردید:
 ۱- در خصوص هزینه زندانیان قزوین، کلیه هزینه‌های زندانیان قزوین از جمله هزینه‌های درمان، تغذیه، مسکن، پوشاک، لوازم التحریر و سایر هزینه‌های جاری زندانیان قزوین، به عهده دولت است.
 ۲- کلیه زندانیان قزوین باید در مراکز درمانی دولتی و به صورت رایگان درمان شوند.
 ۳- کلیه زندانیان قزوین باید در مراکز آموزشی دولتی و به صورت رایگان آموزش ببینند.
 ۴- کلیه زندانیان قزوین باید در مراکز مسکن دولتی و به صورت رایگان مسکن داشته باشند.
 ۵- کلیه زندانیان قزوین باید در مراکز پوشاک دولتی و به صورت رایگان پوشاک داشته باشند.
 ۶- کلیه زندانیان قزوین باید در مراکز لوازم التحریر دولتی و به صورت رایگان لوازم التحریر داشته باشند.
 ۷- کلیه زندانیان قزوین باید در مراکز سایر هزینه‌های جاری دولتی و به صورت رایگان سایر هزینه‌های جاری داشته باشند.
 ۸- کلیه زندانیان قزوین باید در مراکز سایر هزینه‌های جاری دولتی و به صورت رایگان سایر هزینه‌های جاری داشته باشند.
 ۹- کلیه زندانیان قزوین باید در مراکز سایر هزینه‌های جاری دولتی و به صورت رایگان سایر هزینه‌های جاری داشته باشند.
 ۱۰- کلیه زندانیان قزوین باید در مراکز سایر هزینه‌های جاری دولتی و به صورت رایگان سایر هزینه‌های جاری داشته باشند.

امضا و مهر حدود دویست نفر.

نامه‌ای است که اصناف، مخالف خود را با جمهوری رضاخان اعلام و به وسیله مدرس به مجلس شورای ملی ارسال می‌دارند: «توسط حضرت آقای مدرس ایدالله»
 مقام منبع مجلس شورای ملی شهیدالله ارکانه
 این جانبان صنف سمسار و دوخته فروش و قالی فروش بصدای بلند فریاد می‌زنیم که با این جمهوریت به کلی مخالف و بیزاریم، زیرا که از هر جهت عقاید افکار ملت را خفه و سلب آزادی و اطمینان از عموم نموده‌اند.

۳- تصویب نامه هزینه زندانیان قزوین پس از کودتای رضاخان - «سید ضیاءالدین طباطبایی» در سوم اسفند ماه ۱۲۹۹، کلیه رجال مذهبی - ملی توقیف و به حبس قزوین فرستاده شدند و در تمام مدت ریاست وزرایی «سیدضیا»، در همان شهر محبوس بودند. از جمله آیت‌الله شهید سید حسن مدرس در میان محبوسان بود. سند ذیل، تصویب نامه هزینه زندانیان قزوین در همان دولت کودتا است.



وزارت مالیه
هیئت وزراء در جلسه ۱۳...۸/۳
تاریخ ۸/۳...۱۳
موضوع: ...
مقرر شد: ...

امضا: ...
۲۹۰

حاشیه: اصل تصویب نامه در کارتن
مخصوص ۴۱ نمره ۲۹۰ ضبط است.
امضا

ریاست وزرا تهران بتاریخ ۸/۳...۱۳
نمره کتاب ثبت ۹۹۳۱
کارتن ۱۷ دوسیه ۴
ذکر نمره های قبل
تاریخ ارسالی ۱۴ عقرب
وزارت جلیله مالیه

۴- اعتراض مدیر نشریه سیاست اسلام به توقیف

رضاخان برای تثبیت قدرت خود، کلیه
روزنامه‌هایی را که با شیوه دیکتاتوری او
مخالف بودند توقیف و مدیران آن را
دستگیر و محبوس می ساخت. این سند،
نامه‌ای است که «اعتمادالاسلام» مدیر
«سیاست اسلام» در ایام تحصن در مجلس
شورای ملی نوشته و در آن نسبت به توقیف
روزنامه‌های آزادی خواه و بسیاری از
آزادی‌کشی‌ها اعتراض نموده است:

«مقام منیع و موقف رفیع ریاست
مجلس شورای ملی شیدالله آرکانه
در موقعی که روزنامه قانون و سیاست
را توقیف کرده اند نامه سیاست اسلامی

هیئت وزرادر جلسه ۱۳ عقرب تخافوی
نیل ۱۳۰۰ تصویب نمودند مبلغ ششصد
و شصت و شش تومان که برای (مخارج)
نگاهداری تبعید شدگان (نگاهداری
آقایان مدرس و آقا شیخ حسین یزدی
و نصیرالسلطنه) در قزوین که از ۲۸
حوت لغایت ۱۴ جوزای هذاالسنه (در
قزوین) به وسیله اداره نظمیہ آنجا
(پرداخته شده است) علاوه بر بودجه
آن اداره مصروف شده به مالیه قزوین
تأدیه نموده است به خرج منظور و
محسوب گردد. تصویب نامه در کابینه
ریاست وزرا ضبط است. امضا

مجلس شورای اسلامی
 مقام شیخ در وقت ارتفاع ایست
 سیدالمرگانه در مومئیکه روزنامه
 لطفی که از آن به سیاست رسیدی را
 در مشق بداعت نیز در وصف نموده
 اداره یقه در حدود یک نفره
 طبع نه شد نیست و نیز در آن در
 تحت در وصف اداره یقه است و هم صدر
 و تقویت در از برای خود سراغ ندارم
 تقویت دین اسلام که ام
 بدانت توهین منانه در کار ازاد
 انتشار دلم میگو در چون مدیر قانون
 سره لطف است لذا بنده
 در من فخر است علیه سکن بدین جهت

۱۳۴۴-۲۹۴۲

توقیف اداره
 در وقت ارتفاع
 در مومئیکه
 روزنامه
 در مشق بداعت
 نیز در وصف
 نموده
 اداره یقه
 در حدود یک
 نفره
 طبع نه شد
 نیست و نیز
 در آن در
 تحت در وصف
 اداره یقه
 است و هم صدر
 و تقویت در
 از برای خود
 سراغ ندارم
 تقویت دین
 اسلام که ام
 بدانت توهین
 منانه در کار
 ازاد
 انتشار دلم
 میگو در چون
 مدیر قانون
 سره لطف است
 لذا بنده
 در من فخر است
 علیه سکن بدین
 جهت

مگر آن که یک تکلیفی از برای داعی
 تعیین فرمایید و بنده در مجلس
 متحصن هستم. زیاده عرض و
 تصدیعی ندارم.

اعتمادالاسلام مدیر سیاست اسلام

حاشیه ۲ حاشیه ۲

$\frac{۶}{۴}$ جدا از نمره ضبط شود

را که متعلق به داعی است نیز توقیف
 نموده است. اداره نظمی در صورتی که
 یک نمره بیش نشر و طبع نشده است و
 نمره دوم آن در تحت توقیف اداره
 نظمی است و هیچ قصوری و تقصیری
 هم از برای خود سراغ ندارم جز آن که
 تقویت دین اسلام کرده‌ام. جرایدی که
 به دیانت توهین می‌نمایند در کمال
 آزادی انتشار داده می‌شود و چون
 مدیر قانون شخصاً توقیف است، لذا
 بنده هم خود را در محل خطر مشاهده
 می‌کنم. بدین جهت از مجلس نمی‌روم

۵- اعتراض مدیر روزنامه بیدار به توقیف
 نامه‌ای است از «سید محمدعلی بیدار» مدیر
 «روزنامه بیدار» که از رئیس الوزرا رضاخان
 به رئیس مجلس شورای ملی به علت

بسم الله تعالى



نامه بی آرایش بیدار در دو ماهه در نیم قبل
 باره آقای رئیس الوزرا بعلت غیر معلوم
 از طرف امورین تنظیم توقیف و هنوز
 این توقیف به مورد ادامه دارد
 مستند است که از طرف قانونی وارد
 قضیه گردیده و رفع توقیف بیدار را
 بفرمایند ندایم تصدیق است



سید علی محمد بیدار
 سید محمد علی

توقیف روزنامه خود شکایت کرده است. ۶- عذرخواهی استادانه علی اکبر

دهخدا

«بسمه الله تعالى»

مرحوم علامه «علی اکبر دهخدا» از رجال بزرگ ادب قرون اخیر ایران در ادوار اولیه مجلس انتخاب شد و غالباً در مجلس حضور نمی یافت. نامه ذیل به خط و امضای آن بزرگ مرد است که در مورد اسناد و مدارک انتخاباتی خود به رئیس مجلس نوشته و احتمالاً برای عدم حضور خود در مجلس، استادانه عذر آورده است. تاریخ نامه مطابق با ۱۵ تیرماه ۱۳۰۰ است.

نامه بی آرایش بیدار [روزنامه بیدار] در دو ماه و نیم قبل به امر آقای رئیس الوزرا به علت غیر معلومی از طرف مأمورین تنظیم توقیف و هنوز این توقیف بی مورد ادامه دارد. ممتنی است که آقای رئیس محترم از طرق قانونی وارد قضیه گردیده و رفع توقیف بیدار را بفرمایند. زیاده تصدیق است.

سید محمد علی بیدار

۱۶ مرداد ۱۳۳۹

سازمان محترم ریاست مکتب‌های ملی

در روز عصر کاغذ شماره ۹۳ مجلس شورای ملی
در دسترس لطف دولت دفعه اداره مربوطه
لذنبه بر سر نشانی بود و لطف هم فاجحه
مقدمه بنام پدر سزاوارتند و در دسترس
آوردن و بدقتیر کردم زیر ترتیب در دسترس
خدمت‌رسان نوشته‌ام. چون ترتیب در دسترس
مگر از دسترس آوردن جمع می‌گردد
که بعدی یک دور در دسترس ترتیب نموده‌ام
۳۱۷۵-۳۱۴۴



اطلاعات مذکور از دیشب تا امروز
صبح صورت نمی‌گرفت این است که
در این یکی دو روزه ترتیب نموده
تقدیم می‌دارد. علی‌اکبر دهخدا»

۱۵ سرطان ۱۳۳۹

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی
دیروز عصر کاغذ شماره ۹۳ مجلس
به این بنده رسید. چون در این مدت از
طرف وزارت داخله و اداره مربوطه
اینجانب از بنده پرسشی نشده بود و از
طرف دیگر افتتاح مجلس خیلی
بی مقدمه اتفاق افتاد. بنده کاغذ و
اسناد و تلگرافات را که همراه آورده
یا بعد تحصیل کرده‌ام ترتیبی نداده و
نیز اطلاعات شخصی خودم را
نوشته‌ام و چون ترتیب مزبور و نوشتن

۷- خان نائینی و مقاومت مدرس

«سلطان محمدخان نائینی» یکی از مهره‌های
کردتای ۱۲۹۹ (سید ضیا و رضاخان) است.
نامبرده از نائین با دخالت رضاخان انتخاب
و به مجلس راه یافت، ولی مدرس و یارانش
با اعتبارنامه او سخت مخالفت نموده و
نگذاشتند کسی که در کابینه سیاه شرکت



مجلس شورای ملی

شماره

تاریخ ۱۷ شهریور ۱۳۳۹

۴=۱
۳
۱
شماره از

به مجلس شورای ملی تقدیم گردید -

شماره پرونده انتخابت، این دفعه تاکنون رسیده که بعد از آنکه در مجلس شورای ملی در مقامات آن روز در وقت
و اعتراضات اول، لایحه رسید، لذا تغییر در صورت انتخاب سلطان محمدخان نائینی را در مورد انتخابات نائین در مقامات آن وقت
۱، بهر آنکه پوشیده نیست، شایسته در این باره به معاون و وقت و در وقت و در وقت و در وقت و در وقت و در وقت و در وقت و در وقت
نهم تا آن انتخابات مردم میسر و در این صورت شایسته در این باره به معاون و وقت و در وقت و در وقت و در وقت و در وقت و در وقت
تصمیم مجلس شورای ملی

(۲۴)

مضافاتش رسیدگی نموده و برای
استحضار مجلس شورای ملی عرض
می نماید که انتخابات نائین و
مضافاتش موافق قانون به عمل آمده و
شکایت و اعتراضی هم از اول تا به
حال نرسیده. لذا شعبه دوم صحت
انتخاب سلطان محمدخان نائینی را از
حوزه انتخابیه نائین و مضافات آن
تصدیق می نماید - اما بطوری که
پوشیده نیست مشارالیه در کابینه سیاه
معاون و در قسیم و اقدام بر ضد
حکومت ملی شریک بوده است. اگر
شرکت او قبل از انتخابش می بود
موافق شرط نهم قانون انتخابات از
حق انتخاب محروم می گردید ولی
چون شرکت مشارالیه بعد از خاتمه
انتخابش بوده لذا شعبه دوم رأی قطعی
را در این موضوع منوط به تصمیم
مجلس می داند. سید محمد تدین

□ □ □

داشته، بر کرسی نمایندگی مردم بنشینند.
به هر حال، اعتبارنامه او در مجلس پنجم رد
شد. این سند، اظهار نظر شعبه دوم مجلس
شورای ملی در مورد چگونگی انتخاب او
است که معاونت او را در قیام علیه حکومت
ملی می رساند. عده ای از مورخان رد نمودن
اعتبارنامه «سلطان محمدخان» را از طرف
مدرس و یارانش بدون توجه به گزارش
شعبه دوم مجلس مورد تحلیل قرار داده اند.
این سند، حقانیت مدرس را در رد اعتبارنامه
«سلطان محمدخان» به اثبات می رساند،
مخصوصاً که افضای «سید محمد تدین» در
زیر آن دیده می شود که از یاران رضاخان و
مخالف سرسخت مدرس است.

تاریخ ۱۷ شهریور ۱۳۳۹

خبر از شعبه دوم

به مجلس شورای ملی سلطان محمدخان

شعبه دوم به وسیله انتخابات نائین و